



## تاریخ روابط فرهنگی ایران پیش از اسلام

(۳)

### روابط فرهنگی ساسانیان با کشورهای بیگانه (۲۲۴-۶۵۲ م).

اردشیر بابکان در ۲۲۶ میلادی بر تخت نشست و مؤسس سلسله جدیدی در ایران به نام ساسانیان شد. در زمان شاهپور اول مانی مبشرانی برای تبلیغ دین خود به مشرق و مغرب فرستاد، چنانکه داعی کیش او در مصر و مغرب ادایا بود. ظاهراً مانی از سالهای آخر پادشاهی شاهپور از تیسفون بیرون رفته و به سیر در بابل و شمال بین النهرین برای دین خود می پرداخته است. وی در بین سالهای ۲۳۴ و ۲۷۳ میلادی سفرهایی به مصر و فلسطین و آدیابن و ولایات مجاور روم و حوالی نصیین کرد. به قول یعقوبی شاهپور ده سال متمایل بد کیش مانوی بود، از آن پس بی مهری به وی آغاز شد. او از ایران رانده گشت و قریب ده سال در کشورهای آسیای غربی سرگردان بود و به هند رفت و از آنجا به چین سفر کرد و در همه جا به تبلیغ دین خود می پرداخت.

در حدود سال ۳۵۰ میلادی یعنی قریب یک ربع قرن بعد از وفات مانی دین وی در شام و مصر و افریقای شمالی تا اسپانیا و فرانسه پیش رفت و تا مدتی در روم و مغرب زمین بسام مسیحیت برابری می کرد. چنانکه سنت اگوستینوس<sup>۲</sup> که از آباء و قدیسمین معروف عیسوی است مدت ۹ سال آیین مانوی داشت، سپس از آن دین باز گشته و آن را مورد حمله قرار داد. مسیحیت در همه جا مانویت را تکفیر کرد و حتی حکم قتل و فتوای کشتار و اعدام مانویان را داد. مارکوس دیاکونوس می نویسد که زنی به نام یولیا از اهل انطاکیه که از مبلغان دین مانی بود، در حدود ۵۰۰ میلادی به غزه آمد

۱- آقای دکتر جواد مشکور استاد دانشگاه تهران. د ایزن فرهنگی ایران در کشورهای

عربی، از پژوهندگان نامی معاصر.

و در آنجا به تبلیغ و ترویج آن مذهب پرداخت. همچنین فداکاریهای «شاد اورمزد» را که از بزرگان و مبلغان مانوی است در آسیای مرکزی نباید از یاد برد. کوشش این مبلغان باعث گردید که آن مذهب در کشور ایغور دین رسمی شد (۷۶۳ میلادی) و در طخارستان و مرو و بلخ و ترکستان امت فراوان یافت. در ۷۱۹ میلادی دولت چین موچوی بزرگ را که از طخارستان به آن کشور اعزام شده بود به اعزاز و احترام بسیار پذیرفت و آن مذهب در کشور چین رواج یافت، و طبق فرمان فغفور چین آیین مومونی<sup>۳</sup> (مانی) در آن کشور آزاد شد و مانویان در ۷۶۸ اجازه یافتند که در بعضی از شهرها به ایجاد معابد و پرستشگاهها پردازند. در سال ۷۶۲ خاقان اوغورها شهر لویویانگ پایتخت شرقی چین را فتح کرد و در سال ۷۶۳ دین مانی را پذیرفت و لقب «مظهر مانی» گرفت.

در مغرب زمین دین مانی گاهی در حال توسعه و زمانی روبه زوال بود و آن دین بسرعت در روم و مغرب رواج یافت. چنانکه در قرون وسطی در ناحیه «لانگدوک» در فرانسه نفوذ کرد و در آنجا مذهبی به نام مذهب کاتار<sup>۴</sup> یا البیژوآ<sup>۵</sup> بوجود آورد که از شعب دین مسیح بشمار می رفت.

بر اثر کاوشهایی که در آسیای مرکزی روی داده از هنر نقاشی مینیاتور مانویان آثاری به دست آمده است. این تصاویر که در آنها دقت و لطافت بسیار بکار رفته بیننده را به یاد صنعت مینیاتورسازی در دوره اسلامی می اندازد و نشان می دهد که آن صنعت در ایران قدیم وجود داشته و ظاهراً توسط مانویان از کشور ساسانی به ترکستان برده شده باشد.

### مسیحیت از عوامل روابط فرهنگی:

در سال ۳۹۹ میلادی یزدگرد اول ساسانی بر تخت شاهی نشست. در زمان او جنگ بین ایران و روم به صلح انجامید و از طرف روم شرقی هیئتی به ریاست ماروثا<sup>۶</sup> اسقف مایفرقت (میافارقین) به دربار یزدگرد فرستاده شد. ماروثا به سبب سیمای موقر و هیأت مجلی که داشت در نظر شاهنشاه مطبوع افتاد. این شخص علاوه بر مقام روحانی پزشک هم بود و یزدگرد را از یک بیماری شفا بخشید و او را ممنون خود ساخت. پس از آن ماروثا فرصت را غنیمت شمرده آزادی مذهبی مسیحیان ایران را از شاهنشاه استدعا کرد و از او تمنا نمود که اولاً فرمان آزادی کلیسای ایران را اعلام دارد و ثانیاً اجازه فرماید که شورایی برای تنظیم امور کلیسایی تشکیل گردد. شاهنشاه هردو مسئول او را اجابت کرد و در ۴۰۹ میلادی فرمانی برای آزادی عموم مسیحیان ایران صادر فرمود.

آرکادیوس<sup>۷</sup> امپراطور روم شرقی در هنگام مرگ پسر خود تئودوسیوس<sup>۸</sup> را که کودکی خردسال بود به یزدگرد سپرد. یزدگرد حمایت او را بعهده گرفت و خواهی‌دانی دانشمند را به نام آنتیوخوس به قسطنطنیه فرستاد تا تئودوسیوس را تربیت کند. برصوما که از کشیشان شهر ادسا (اورها) بود، از آنجا به ایران مهاجرت کرد، و بین سالهای ۴۵۷ - ۴۸۴ برای ترویج مذهب نسطوری در ایران کوششهای فراوان کرد و فیروز شاهنشاه ایران را متقاعد نمود که لازم است کلیسای ایران با کلیسای ارتدکس امپراطوری روم تفاوت داشته باشد. یکی از رسایلی که برای این منظور به کار برد این بود که کشیشان و اسقفان را واداشت تا ازدواج کنند و این نقشه با عقیده ایرانیان که زن گرفتن و فرزند پیدا کردن را برای هر کس واجب می‌دانستند بسیار موافق بود. بازی شورایی دینی در «بیت‌لایات» (گندی شاپور) در ماه آوریل ۴۸۴ منعقد شد که در آن فقط چند تن از اسقفان حاضر شدند و در همانجا بود که جایز بودن ازدواج کشیشان و اسقفان به تصویب رسید.

### روابط دانشگاهی:

دانشگاه به معنی واقعی خود در دوره ساسانی از جندی شاپور آغاز می‌گردد. این دانشگاه در شهری به همین نام در مشرق شوش و در جنوب شرقی دزفول و شمال غربی شوشتر واقع بوده است و یکی از بزرگترین مراکز علمی جهان آن روز بشمار می‌رفت. بویژه پیشرفت علم پزشکی، بیمارستان مجهز، و وجود پزشکان آزموده ایرانی و خارجی معروفیت آنرا جهانی نموده بود. پس از گسترش مذهب نسطوری این مرکز از مهمترین محلهای تجمع علمای مسیحی گردید. با همکاری پزشکان نسطوری، یونانی و هندی و ایرانی طب جدید و همه جانبه‌ای پایه گذاری شد و علما و دانشمندان بسیاری از بلاد مختلف به این مرکز دانشگاهی روی آوردند. دانشگاه جندی شاپور تا حدود ۳۰۰ هجری در ایران همچنان باقی بود و مرکز دانش جهانی محسوب میشد. در دانشگاه جندی شاپور طب و فلسفه و نجوم و ریاضیات و الهیات تدریس می‌گردید. در دانشکده پزشکی آن عده‌ای از پزشکان معروف یونانی و سریانی به این دانشگاه دعوت شدند و آنان طب بقراطی را در مشرق زمین رواج دادند.

به قول آگاتیاس<sup>۹</sup> ژوستینی نین دوم (۵۶۵ - ۵۲۷) امپراطور بیزانس برای حمایت از دین مسیح در سالهای ۵۲۷ - ۵۲۸ میلادی فرمانهایی علیه مرتدان صادر کرد و در سال ۵۲۹ امر کرد که دانشگاه آتن که آخرین پایگاه بت پرستی بود بسته شود. در

نتیجه تعطیل مدرسه فلاسفه آتن و تعدیاتی که به فلاسفه آن شهر وارد آمد هفت تن از فیلسوفان یونان به دربار خسرو انوشیروان به تیسفون پناه آوردند و مورد عنایت تاه و پذیرایی خاص شاهنشاه ایران واقع شدند. نام این فیلسوفان یونانی از اینقرار است: دمسیوس<sup>۱۲</sup> از مردم سوریه، سینپلیکوس<sup>۱۱</sup> از مردم کیلیکیه، یولامیوس<sup>۱۲</sup> از اهل فریگیه، پریسکیانوس<sup>۱۳</sup> از اهل لیدیه، هرمیاس<sup>۱۴</sup> از اهل فینیقیه، دیوجانوس<sup>۱۵</sup> از مردم فینیقیه، اریسیدورس<sup>۱۶</sup> از اهل غزه. چون این فیلسوفان به فکر بازگشت به وطن خود افتادند خسرو انوشیروان به حمایت آنان برخاست و در عهدنامه‌ای که با قیصر بست شرط کرد که از مراجعت این فلاسفه به وطن خود ممانعت نکند.

انوشیروان شخصاً با بعضی از این فلاسفه خاصه پریسکیانوس مباحثاتی داشت و سولاتی از وی کرد و پریسکیانوس کتابی در پاسخ پرسشهای او ترتیب داد که ترجمه ناقصی از آن به زبان لاتین در دست است و شامل جوابهای مختصر در مسائل مختلف علم النفس و وظایف الاعضاء و حکمت طبیعی و نجوم و تاریخ طبیعی است.

آگائیان مورخ معروف یونانی متحیر بود که چگونه پادشاهی با آنهمه اشتغالات سیاسی و نظامی می‌توانست به علوم یونانی توجه داشته باشد و آنها را به زبان ابتدائی و خشن (پهلوی) دریابد. این سرد با وجود اظهار عناد به انوشیروان این مطلب را اعتراف می‌کند که خسرو از دوستان بزرگ آثار ارسطو و افلاطون بوده است و بنا بر نقل همین مورخ اورانیوس<sup>۱۷</sup> طبیب و فیلسوف که از اهل سوریه و در نظر آگائیان مردی بی‌اطلاع بود، فلسفه را به خسرو آموخت و خسرو موبدان را گرد آورد تا با آن فیلسوف در باب مسائلی مانند خلقت عالم و مطالبی نظیر آن از قبیل تناعی ابعاد و توحید بحث کنند و این توجه انوشیروان و همچنین پادشاهان سلف او مانند شاپور به علوم یونانی و بابلی و هندی و سریانی از مآخذ شرقی نیز برمی‌آید.

رفت و آمدهایی که از مشرق به مغرب صورت می‌گرفت از طریق راه ابریشم بود. راه ابریشم از چین به ایران و روم، از حوزه رود تاریم و ترکستان شرقی و کاشغر و شاهراه بخارا و سمرقند و جیحون و آمل (چهارجوی کنونی در ماوراءالنهر) و دشت خاوران (صحرای قراقوم کنونی) و ترکمنستان و قوچان و خراسان وری و همدان و کامبادن (کرمانشاهان) و آسورستان (عراق کنونی) و کوههای توروس به روم می‌رسید.

انوشیروان پیوسته در توسعه و بسط دانشگاه کوشش می‌کرد. چنانکه برزویه طبیب معروف ایرانی را به هندوستان فرستاد و او از دانش وزمینهای مختلف علمی کسب فیض

کرد و مطالعات فراوانی در طب هندی نمود. انوشیروان بفرمود تا برزویه کتاب کلیله و دمنه را که حکمت عملی و اخلاقی هندیان در آن مندرج است از هندوستان به ایران آورد. از کتیبه‌های پهلوی دوره ساسانی در هندوستان بعضی مربوط به نفوذ کلیسای سریانی است که از طریق ایران در جنوب هند پیش از اسلام بنیاد نهاده شده و کم‌وبیش آثاری از مسیحیان آن زمان هنوز باقی است. از آن جمله شش کتیبه پهلوی است که بر روی صابنه‌های سنگی نقش شده و در کلیساهای جنوب هندوستان تاکنون موجود است.

در زمان سلسله توباوی ۱۸ که از سال ۳۸۶ تا ۶۸۶ بر شمال چین فرمان می‌راندند از طرف امپراتور چین هیئتی به سفارت به ایران فرستاده شد. متقابلاً ایرانیان نیز هیئتی را با هدایای بسیاری با چند زنجیر فیل به چین فرستادند. این هیئت در سرزمین ختن از طرف فرمانروای آنجا بازداشت شد و پس از آزادی به دربار چین رسید. در سال ۵۶۷ خسرو انوشیروان سفیری به چین فرستاد. شاید این سفارت برای آن بوده که جهت دفع ترکان که در آن زمان به مرزهای شرقی ایران می‌تاختند از دولت چین یاری بخواهد. در منابع چینی در عصر ساسانی در چند مورد از کوشانی‌های بزرگ که در افغانستان و شرق ایران سلطنت داشتند یاد شده است.

دیگر از اخبار روابط فرهنگی ایران و هند فرستادن شطرنج از طرف شاه هند برای خسرو انوشیروان و متقابلاً فرستادن تخته نرد از طرف انوشیروان برای پادشاه هند است که داستان آن به تفصیل در شاهنامه فردوسی آمده است. آوردن شطرنج را به ایران کتابی پهلوی به نام ماذیگان شترنگ (رساله شطرنج) که از عهد ساسانیان مانده است تسایید می‌کند.

مانده دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی:

بهنام (عیسی): صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ، تهران ۱۳۲۰ ش.  
پیرنیا (حسن مشیرالدوله): تاریخ مفصل ایران قدیم از آغاز تا پایان دوره اشکانی.  
دلیسی اولیری: انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، (دولت یونانی و باختری، کوشانیان) تهران ۱۳۴۲ ش (دانشگاه).

تقی‌زاده (سید حسن): مانی و دین او، تهران ۱۳۳۵ ش.

صفا (دکتر ذبیح‌الله): دانشهای یونانی در شاهنشاهی ساسانی، تهران ۱۳۳۰ ش.

سارتن: تاریخ علم، ج ۱ ترجمه احمد آرام، تهران ۱۳۳۶ ش.

حکمت (دکتر علیرضا): آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران ۱۳۵۰.  
 مشکور (دکتر محمد جواد): ایران در عهد باستان، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۷؛ تاریخ  
 اجتماعی ایران در عهد باستان، تهران ۱۳۴۷؛ پارتیها یا پهلویان قدیم، تهران ۱۳۵۰.

### منابع خارجی:

- Horozny, B. Histoire de L'Asia Antérieure, Paris, 1947.  
 Ghirshman, R. L'ian des Origines a l' Islam, Paris 1951.  
 Huvart, C, La Perse Antiquie et la Civilisation Iranienne. Paris,  
 1952.  
 Olmstead, A. T. the History of the Persian Empire. Chicago, 1948.  
 Christensen, A. l' Iran Sous les Sassanides, Copenhagen, 1944.  
 The Cambridge History, of India 1935.  
 Goubert, P. Byzance avant L'Islam, 2 vols, Paris, 1951 – 55.  
 Laufer, B. Siro – Iranica, Chinese Contribution to tho History of  
 Civilization in Ancient IRAN, Chicago, 1919.  
 Puech, H. Le Manichéisme, Paris, 1949.  
 Malcom, A.R. Colledge, the Parthians, London Thames and Hudson  
 1967.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

۱-Adda	۲-Augustinus	۳-Mo – moni
۴-Cathares	۵-Albigois	۶-Marutha
۷-Arcadius	۸-Theodosius	۹-Agathias
۱۰— Damaskios	۱۱— Sinplikos	۱۲—Eulamios
۱۳—Priskianos	۱۴—Hermias	۱۵—Diojanus
۱۶—Isidoros	۱۷—Uranios	۱۸— Tubawei